

## به پاس تلاشهای یک همنورد



محمود باهر فرملی

متن سخنرانی جناب محمود باهر فرملی در محفل ارجگزاری از کارکرد های سیاسی، تاریخی و فرهنگی پیکار پامیر در شهر تورنتو- کانادا.

در پیشاپیش این برپایی، از کانون فرهنگی باختر سپاس بجا و منت فراوان باد که در بزرگداشت چشمواره ها و یاد بود های رفتگان و مانده گان ما در دل دوران دور از میهن، در این ولایت، همواره سهم شان براننده بوده و این بار سخن از کارکرد های دوست عزیز و فرهنگی پرتلاشی در میان است که با حضور داشت خودش از ماحصل کاوش و پویش و پیرایشش قدر شناسی به عمل می آید.

### تکیه بر زنده گان کنید ای قوم تاج بر فرق مرده گان نه زیند

ایکاش می توانستم همدیف یک مؤرخ صاحب اثر و صاحب نظر، بر تاروپود این مجموعه ی حوادث کشور و براننده گیهای این دستمایه، متعهدانه و مسوءالانه حرف و سخنی داشته باشم، ولی از جایگاه یک دوست؛ یک همیار فرهنگی، یک پوینده ی حالات یغرنج و غمبار سیاسی میهن، بر خود می بالم که چشمانم به دستچین کارکردها و دونده گیهای فرهنگی و سیاسی محترم پیکار پامیر روشن میگردد.

محمل دار عزیز! میدانم تو با این کوله بار هزار اندوه و حسرت و با گزنده گیهای این گزدم غربت جگر چون صدهای دیگر چه تلخیها و چه زهر کامیها و طعنه هارا برای ایفای چنین نقش افرینها و رسالتها که به جان و دل نه خریده یی! پیمایش این همه فرازها و فرودها، صخره و کوه و کتل، دست اندرکاران این عرصه را از پیشفرضها یی است که بر قامت عاشقان آن کهن دژ، سخت زینده خواهد بود.

من از کجگاه ها و کمرگاه های این تنگه های حوادث، صبورانه و امیدوارانه به ظفرمندی تو و یاران صاحب دل دیگر چشم امید بسته ام.

حالا که صاحب اثر، از کلبه ی تاری غربت و از شام درد آگین میهن، از عرق ناز کف دست، به جای غنودن و آرمیدن، اینک در رستخیز فرزندان صدیق کشور " نقش پا کستان در تراژیدی خونین افغانستان" را می آفریند تا در برهه های تلخ تاریخ کشور، دشمنان دیرینه میهن را نشانه گیرد، ستودنیست.

سیر جبری تاریخ نیز در دامان ننگین خا ینان، وطنفروشان، جانیان و مهربه های اجنبی در درون دستگاه قدرتهای دولتی، این لکه های خونین و شرم آگین را به خطوط جلی به نما یش گذاشته است.

به رسالتمندانی چون شما آفرین که شجاعانه و بی باکانه پنجه بر گلوی (آی، اس، آی) شید می فشارید.

این اثرگذارها و نقش آفرینها را برای بنیاد فرادهای سبز وطن توشه ی راه آینده گان شمرده و زبان سرخ را در سر باختن به دار عشق میهن ثواب می بینم ، به روایت راد مردی !  
 " اگر زنده گان به مصلحتی خاموش بمانند ، مرده گان حقانیت آنرا شهادت می دهند "  
 گذری بر سیر بنیاد گرایی در منطقه و جهان ، نطفه گذاری "القاعده " و " طالبان " و دریک سخن ، تسلیح و تجهیز تروستان حرفه ای. با روکشی عقیدت و ایمان و مذهب، ریشه های عمیقی در برنامه ها

ها و موقعیت های جیوپولیتیکی، استراتژیکی و اکونومیکی افغانستان داشته که سود خوران امپریالیسم، صیهونیزم و کمونیسم برباد رفته و وهابیسم جدید از سده ها بدین سو در حوزه جغرافیایی ما بیداد می کنند ، که این خود، لایه ی دیگری از تاریخ کشور است که بایست بی محابا از خزینه های فیکری و جسارت علنی اصحاب پژوهش به خورد ملت و مردم داده شود.  
 پرده بر اندازی از چهره ی خون آشام و چند پهلوی نظامیگران اسلام آباد، این مشاطه ی بزم جهانخوران که در این اثر، نمایانده شده ، گام های مؤثری اند که به یقین دنباله خواهد داشت ، بر همین وتیره ، جامه سوزی عبا و قبای آل سعودیان و عریانی جباریت مطلقه ای پیامبران کاذب تهران نشینان از زخمهای چرگین دیگر است که در قبال قضایای پیچیده ی کشور، فصلی از ناگفته ها را میسازد که تاریخ نگاران ارجمند ما، این برگه ها را به انظار ملت با شهامت ما خواهند گشود.

این اثر ارزشمند ، راهکار و رهنمود خوبی است برای نقب زدن به چاله ها و سیه کارهای عمال و اوباشان منطقه و جهان. منجمله دولتمداران افغانی شان و آغازیست برای شناسایی بخش خفته و نا گفته ای تاریخ توطئه در حوزه ی ما و جهان .

به تعریف دیگر ! شعر این ابگینه ی واژه ها ، این تلاطم خود جوش شاعر ، این تراوش روح عصیانگر و پُر پهنای شاعر که یک حادثه ی تاریخی را به دوش می کشد و همه ، یکسره در زبان رُخ میدهد ، امتیاز دیگر است از الطاف ایزدی که به محترم (پیکار پامیر) ساحه ای جولان بیشتر فرهنگی را فراهم کرده است.

در پس منظر این تلاش مردمی و میهنی ، سیمای آرام و آراسته به سجایای یک بانوی مهربان ، یک مادر ارجمند ، دستیار و دولتیار محترم پامیر ، همسر مهربان شان جلوه ی خاصی به این دستاورد میبخشد .

صاحب اثر را چون قلّه های شامخ پامیر و بابا و صخره های مقاوم و پُر صلابت هندوکش ، در حراست از مرز های فرهنگی در قطار دیگر پاسداران و هموردان ایستا و پایا آرزومندم .  
 تشنه کامم ! مگر از آن بلورینه های فردا های سبز سبز وطن بر ساغر تکیده و جام و مینای شکسته ی ما هم ، شهد و شکر نابی به گوارایی دوشاب کهدامن زمین در آن گل جوشی باده ها ، جرعه ای به کام گردد تا مگر بانگ می گسارانش در میخانه های زمان ، خواب رخوت و کسالت از چشمان تن آسیان و بیماران سیاسی بر باید .

درفش چنین پرپایی ها و ارگذارها با همه گشاده دلیها و دیگر پذیرها را در امتداد زمانه ها بر ستیغ پُر صلابت فرهنگی در اهتزاز می خواهیم . تا باد چنین بادا !

پدرود فراوان بر همگان